

شگفتی‌های علمی در دعای عرفه *

محمد علی رضایی اصفهانی** و سید احمد جعفری***

چکیده

این نوشتار تأملی است در اشارات علمی دعای عرفه، و بیان می‌دارد که فرازهای متعددی از این دعا حامل گنجینه‌های دانش ناگشوده‌ای است که اعجاب برانگیز و اعجاز آفرین است. امام حسین (علیه السلام) از لحاظ مکانی، زمانی و مخاطب با انتخاب بی‌آلایش‌ترین مکان و مقدس‌ترین زمان، فطرت انسان‌ها را با بلاغت و رسایی تمام به میزبانی متعالی‌ترین معارف فرا می‌خواند. از لحاظ محتوا، با ترکیب فروع گوناگون مسائل و اشراف به نیازهای روحی و مسئله توحید، آمیزه‌ای از معارف حیات آفرین را مطرح می‌کند و با اشاره‌های ظریف اذهان جست‌وجوگر را به زوایای نهان و آشکار اسرار خلقت واقف می‌گرداند. در این نوشتار، سه نظریه علمی قدمت نطفه، نظریه اصالت خلقت و عدم تکامل انواع و نظریه نقش خاک در پدیداری ژن برتر مستخرج از دعای عرفه معرفی شده است.

واژگان کلیدی: دعای عرفه، امام حسین (علیه السلام) شگفتی‌های علمی، اعجاز علمی

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۱/۲

** استاد جامعه المصطفی العالمیه: rezaee@quransc.com

*** دانش آموخته سطح چهار علوم حدیث تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): Kelkinak@yahoo.com

مقدمه

پیشوایان دین ما به یمن داشتن شخصیت ممتاز علمی و اخلاقی و ارتباط با سرمنشأ شگفتی‌ها و رسالتی که در صحنه هستی داشتند، از حیاتی سراسر شگفت‌آور برخوردار بودند و عقول بشریت را در دوحوزه علوم انسانی و طبیعی به شگفتی و تحسین وا داشتند. آنان همانند قرآن کریم در چهره‌های گوناگون برای مردم تبلور معرفتی و هدایتی داشتند؛ برای عارفان در چهره معارف دعای عرفه، برای زمامداران حامی قسط، عدل و مستضعفان در چهره نهضت برانگیز و قیام‌گر علیه طغیانگری امویان، برای پرهیزکاران و زاهدان در چهره تارک دنیا و برای دیگران در چهره‌های دیگر

امام حسین (علیه السلام) با خلق مضامین بلند دعای عرفه که اوج عرفان شیعی است، زمینه ایجاد آوردگاه کربلا را پی می‌ریزد. سپس مصادیق معرفت، خودباختگی، جانبازی و ثبات قدم در راه دین و هدف را در روز عاشورا معرفی می‌کند و زیباترین و شگفت‌آورترین صحنه ایثار را به تصویر می‌کشد. تبلور اعجاب و اعجاز در فرازهای متعددی از دعای عرفه مشهود است که نوشتار حاضر در صدد تبیین آن است.

مفهوم‌شناسی

شگفتی: به معنای به تعجب و تحیر در آمدن است و معادل عربی آن «دهشة» می‌باشد (سیاح، فرهنگ دانشگاهی ۲، بی تا: واژه «شگفتی»). در این نوشتار، مقصود از شگفتی، آن بخشی از دعاست که به مطالب علمی و ریزه‌کاری‌های خلقت و انسان‌شناسی اشاره می‌کند که قبلاً در قرآن یا به صورت دیدگاه‌های غیر مشهور در مراکز علمی از سوی برخی دانشمندان مطرح شده و دلالت بر عظمت علمی امام (علیه السلام) دارد و باعث شگفتی عموم یا متخصصان آن فن می‌گردد.

علم: مفهوم «علم» در لغت دانش و دانستن است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۵: ۶/۳۴) و در اصطلاح به مجموعه قضایایی گفته می‌شود که مناسبتی بین آنها در نظر گرفته می‌شود؛ هر چند قضایای شخصی و خاص باشد مانند علم تاریخ، علم رجال و ... (رضایی اصفهانی، حدیث و علوم جدید (منطق فهم احادیث علمی)، ۱۳۹۱: ۳۳). البته برای علم معانی دیگری هم ذکر شده است که بیشتر ناظر به دانش تجربی می‌باشد؛ لذا و مقصود از علم در این نوشتار «مجموعه قضایای حقیقی است که نتایج آن از راه تجربه حسی قابل اظهار نظر می‌باشد». در احادیث معصومان (علیهم السلام) هزاران حدیث علمی وجود دارد و دعای عرفه یکی از آن نمونه‌هاست که در حوزه‌های علوم طبیعی و انسانی مطالبی گرانسنگ و کاربردی و در عین حال اعجاب برانگیز در بر دارد.

عرفه: عرف به گفته راغب اصفهانی، بیانگر شناخت آثار اشیا همراه با تفکر و تدبّر است (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۵۶۰). به منطقه وسیعی در حدود ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی مکه که در میان راه مکه و طائف واقع است (رضایی اصفهانی، اسرار و معارف حج، (وقوف در عرفات)، مقالات فارسی، ۱۳۸۴: ۱/۴۲)، عرفات می‌گویند. و با این استعمال گویی هر جزیی از این سرزمین را عرفه دانسته‌اند (عسکر، حج در اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴: ۲۲۴). تقریباً در انتها و شرق عرفات کوه جبل الرحمة واقع است که از کوه‌های اطراف مستقل و مجزا می‌باشد (السباعی، تاریخ مکه (از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه - ۱۳۴۴ق) ۱۳۸۵: ۱۵۱). این کوه مکان و شاهد دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه است.

شگفتی‌های دعای عرفه در سه حوزه اجرایی، بلاغی و معارفی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد، هر یک از این حوزه‌ها بی‌تردید، مکمل دیگر حوزه‌هاست و با هم تأثیرگذاری لازم را به وجود می‌آورند.

۱- در حوزه اجرایی

در این حوزه ملاحظه می‌شود که امام از لحاظ مکانی، زمانی، مخاطب، سبک بیان و انتخاب مواد و موضوع سخن، فوق العاده است. شاکله امر تداعی گر آگاهی ژرف امام نسبت به علم روان‌شناسی و اتخاذ راهبرد مؤثر در زمینه تحقق اهداف می‌باشد؛ برای مثال، امام (علیه السلام) برای بیان هدف و مقصد خروج، و ترسیم راه و تثبیت مسیر توحیدی تاریخ؛ بهترین راه ممکن را در حد اعلاى هنرمندی و با تدبیر و مدیریت دقیق در پیش می‌گیرد و بی‌آلایش‌ترین مکان را که تمرکز اذهان به سوی برپایی حج است، انتخاب می‌کند و در قالب دعا، فطرت انسان‌های آن عصر و تمامی عصرها را مخاطب قرار می‌دهد و قدرت‌طلبان و قدرتمندان را با معرفی قادر مطلق متعال که حافظ و حامی مستضعفان و ستمدیدگان می‌باشد، به چالش می‌کشد.

۷۵

موضوع سخن نیز مرتبط با وضع موجود و هدف پیش‌رو و مقصد متعالی حضرتش مطرح می‌گردد: «و هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَ لِلکَرِبَاتِ دَافِعٌ وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَیْرُهُ وَ لَا شَیْءَ یَعْدِلُهُ وَ لَا یَسْکُنُهُ شَیْءٌ» (مرکز تحقیقات حج؛ ادعیه و آداب مکه مکرمه؛ (دعای عرفه و ترجمه آن)، ۱۳۸۶: ۹۷-۱۳۷). در این فراز، قدرت لا یزال الهی در کوبیدن جباران و اینکه خداوند هر کفر پیشه و ستمگری را ریشه کن می‌کند، مطرح شده است؛ ﴿فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الذِّینَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ﴾ (انعام/ ۴۵).

۲- بلاغت

موضوعات مطرح شده، نظم محتوا و چینش آن و تقدم و تأخر و اندماج مطالب، نشانگر بلاغت، آگاهی و قوت روحی گوینده در حد اعجاب می‌باشد: «هو الجواد الواسع فطر أجناس البدائع و أتقن بحكمته الصنائع لا يخفى عليه الطلائع و لا تضيع عنده الودائع أتى بالكتاب الجامع و بشرع الاسلام النور الساطع و هو للخليفة صانع و هو المستعان على الفجائع جازى كل صانع و رائس كل قانع و راحم كل ضارع و منزل المنافع و الكتاب الجامع بالنور الساطع و هو للدعوات سامع و للدرجات رافع و للكربات دافع...».

۳- محتوا و معارف مندرج در دعا

خالق دعای عرفه با ترکیب فروع گوناگون مسائل و با اشراف بر نیازهای روحی بشر و مسئله توحید؛ آمیزه‌ای از معارف حیات‌آفرین را مطرح می‌کند. امام در این دعا هم دستور کفرستیزی و راه طاغوت‌زدایی و رسم سلحشوری و سنت سرکوبی جنایتکاران را ارائه می‌کند و هم ستایش حکومت اسلامی و تقدیر دولت مکتبی و ظهور ولایت الهی را نشان می‌دهد. همچنین امام تجلی هستی ذات اقدس خداوند و ظهور گسترده و همه‌جانبه آن ذات مقدس و خفای هر چه غیر اوست در پرتو نور او، و پی‌بردن به او از خود او و به غیر او بها ندادن و غیر او را به او شناختن و ذاتش را عین شهود و مستغنی از استشهاد دانستن را تفهیم می‌کند (جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، ۱۳۸۸: ۲۴۳).

مطالب علمی دعای عرفه را می‌توان به دو دسته اشارات علمی و اعجازها تقسیم کرد:

الف) اشارات علمی

بسیاری از فقرات و فرازهای این دعا تلنگری است برای اذهان جست‌وجوگر انسان تا ذهن به کار افتد و مسیر را پی‌گیرد و به زوایای نهان و آشکار مخلوقات راه یابد. در ذیل به برخی از این عناوین و کنایات به اختصار اشاره می‌کنیم:

- اِنْتَدَأْتَنِي بِبِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ أَمِناً لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السَّنِينِ فَلَمْ أَزَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ...

آغاز خلقت از چه چیزی است؟ آیا منشأ خلقت انسان آسمان است؟ گاز و بخار است؟ منشأ آن چیست؟ چرا از خاک؟ چرا در اصلااب و با چه کیفیتی؟ چرا عبارت انتقال از صلبی به صلب دیگر؟ جایگاه عالم ذر در این مباحث تا چه میزان است؟ آیا انتقال سرشت‌ها و فطرت‌ها هم

صورت می‌گیرد؟ چه چیزهای از صلبی به اصلاب دیگر منتقل می‌گردد؟ ژن‌ها حامل خصوصیات چند پشت انسان‌هاست؟ آیا دانش روز می‌پذیرد که خصوصیات از جد و والدین فراتر رود؟ آیا دانش از رهگذر «DNA» انسان‌ها می‌تواند پلی به گذشته ناپیدای انسان از حال تا ابتدا بزند؟ بذر خلقت انسان بر اساس کدام معیار می‌روید و چرا امام علیه السلام تشکر می‌کند از اینکه در چنین زمان به خصوصی پا به عرصه وجود نهاده و چه شده که از این والدین هستیم؟ آیا نمی‌شد والدین ما کسانی دیگر در دیگر سوی هستی باشد؟ چه نیرویی خودآگاهی را در ما نهاد؟ چه شد که در این مقطع تاریخی هستیم نه در مقطع تاریخی دیگری؟

«لَمْ تُشْهِدُنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي»، خداوند، مرا به خلقتم گواه نفرمودی و در قرار دادن در نظم سلسله وجودم، اختیاری به من ندادی». طبق این فراز از دعای عرفه، ذهن چقدر می‌تواند تولید سؤال کند؛ چرا که «نظم سلسله وجود» می‌تواند تعاریف متعدد و برداشت‌های بسیاری را با خود به همراه داشته باشد؛ نظمی که کاملاً از حیطة اختیار مخلوق خارج است و به او این اجازه را نمی‌دهد که نوع هستیش را از میان انواع برگزیند یا تکمله ای بر وجود خودش زند^[1]. نسبت این فراز از دعای عرفه با تکمیل موجودات از نظر داروین چه تمایزات و تشابهاتی دارد؟ آیا می‌تواند نفی‌کننده نظریه تکامل باشد؟ تأمل در عبارت یا مقصود از «مرا در خلقتم گواه نفرمودی» گواه فطری است یا علم ابتدایی و عادی؟ مخلوقی که هیچ آگاهی و خود شناختی ندارد، به اطلاق بیان امام علیه السلام چگونه می‌تواند تکامل بخش وجود خود جهت ورود به فضای پیچیده‌تری باشد؟

در این دعا به بعضی از مطالب و شاخه‌های علمی نیز اشاره شده است. این شاخه‌ها که در ذیل آنها به اشارات علمی نیز اشاره می‌شود، عبارت است از:

یک - زیست‌شناسی (خلقت انسان)

در دعای عرفه فرازهای متعددی به تشریح خلقت انسان و ذکر ظرایف بدن (آناتومی و فیزیولوژی) اشاره دارد. از عنایت حضرت به جزئیات عالم قبل و بعد تولد می‌توان اثبات و نفی‌های گسترده‌ای را در این زمینه برداشت کرد؛ از جمله:

گسترده‌گی دانش حضرت در این حوزه

توجه خاص در زمینه‌های پیدایش انسان و تسلسل انساب و اصلاب و عدم اشاره ایشان به قانون تکمله انواع و در واقع، بیان انحصاری برای اصلاب شامخه، به نفی دیگر برداشت‌ها اشعار دارد. نقش خاک در پدیداری ژن برتر و نطفه مستعدتر موضوعی اعجاز گونه است که تا به حال

زیست شناسان در این حوزه مباحثی در خور ارائه نکرده‌اند. این اشاره‌ای ظریف و مهم در گستره زیست محیطی است که آلودگی محیط در آلودگی نطفه و سرشت انسان تأثیر دارد. چنانکه بسیاری از کسانی که اجدادشان در حوادث یا جنگ‌های اتمی مورد آسیب قرار گرفته‌اند. امروز از بیماری‌های ژنتیکی و ناتوانی‌های جسمی رنج می‌برند؛ لذا حضرت می‌فرماید: «ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حَرِّ الثَّرَى؛ سپس به اینکه مرا از بهترین خاکها آفریدی»؛ یعنی سپاسگذار است که خالقش عنایت کرده و خلقتش را از خاک برتر قرار داده است (لوئیس معلوف؛ المنجد فی اللغة والاعلام؛ ۱۹۶۰: واژه «حَرَّ» ۱۲۴؛ حرالارض «اطیبها»؛ حرار من کل شیء «خیاره و اعتقه و طیبه»).

فواید و نکات

۱. این فرازهای متعالی از دیدگاه علم ژنتیک، جنین شناسی و فیزیولوژی قابل بحث می‌باشد.
۲. فرازهای زیست‌شناسی در این دعا می‌تواند رهنمود و باری در جهت نگرش عرفانی به علم زیست شناسی و ارائه روش‌های آموزش و مطالعات دینی با بهره‌گیری از علوم تجربی باشد.
۳. همچنین می‌تواند راهگشای بهره‌گیری از علوم تجربی در عرفان خداشناسی و شناخت نعمت‌های الهی باشد و انسان‌ها را به قدردانی نعمت‌ها و حفظ و استفاده صحیح از مواهب الهی راهنمایی کند.
۴. اهمیت توجه به محافظت و حراست از ذخایر ژنتیکی برای حفظ سلامت نسل‌های آینده و مراقبت‌های بهداشتی در دوران جنینی را یادآوری شده است.
۵. همچنین توجه امام (علیه‌السلام) به اندام‌ها و اعضای مختلف بدن در این دعا بیانگر این حقیقت است که هر یک از اعضای بدن هر چند ظاهراً کوچک و کم اهمیت به نظر می‌آیند^[۲]، نعمت‌هایی ارزشمند و مواهب بزرگ الهی هستند و رسم شکرگزاری، حفظ این امانت‌های الهی و بهره‌گیری از آنها در راه مطلوب و مورد رضای خالق آنهاست.

دو - زمین‌شناسی

در دعای عرفه فرازی با تعبیری معما گونه آمده است: «يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ^[۳]، وَ سَدَّ الْأَهْوَاءَ بِالسَّمَاءِ؛ ای که زمین را بر آب فرو بردی و هوا را به آسمان بستی» (مرکز تحقیقات حج، ادعیه و آداب مکه مکرمه، ۱۳۸۶: ۱۱۳). در این فراز «کبس» به فرو بردن معنا شده است، در حالی که در فرهنگ‌های لغت برای این واژه سه معنا به کار برده شده است. اول سختی و شدت: «جبالٌ کُبِسٌ» یعنی کوه‌های سخت و محکم به زمین چسبیده؛ و کویدن محکم یک چیز؛ لذا به دستگاه پرس هم «مکابیس» و به خرماى بهم فشرده شده «الکبیس» می‌گویند.

دوم حجیم بودن و برجستگی بیش از حد معمول چنانچه به سر بزرگ «الکُبَّاسُ بِالضَّم» می‌گویند و دماغ برآمده به سوی لب و موی پیش آمده به سوی پیشانی نیز کبس می‌گویند و همچنین «كَبَسَتِ النَّاصِيَةَ جَبْهَتَهُ» یعنی موی بالای پیشانی او روی پیشانی‌اش قرار گرفت. سوم الصاق و افزودن با شدت و به صورت تحمیلی؛ تَكْبِيسًا [کبس] علی الشیء؛ خود را به زور بر چیزی افکند؛ كَبَسَ رَأْسَهُ أَى أَدْخَلَهُ فِى ثِيَابِهِ وَ أَخْفَاهُ، که عملی غیر طبیعی و همراه با سختی می‌باشد.

در نتیجه، کبس اگر در مورد چیزی به کار رود با در نظر گرفتن ویژگی‌های آن مورد و مقتضیات حالی و زمانی مفهوم پیدا می‌کند، لذا اگر خارج از آن چیز و افزودنی باشد، مفهومی منفی و تحمیلی می‌یابد و اگر جزء آن چیز باشد به خاصیتی غیر طبیعی اشاره می‌کند و اگر به فعل برگردد کاری توأم با شدت و سختی را تداعی می‌کند. براین اساس، چون زمین از جایی دیگر نمی‌آید تا بر آب اضافه شود. پس معنای ذکر شده در دعا دقیق نیست و مصداق فرو کردن آن در آب نمی‌باشد؛ زیرا زمین طبیعتاً زیر آب است. پس کبس به مفهوم برآمدگی نزدیک‌تر است؛ یعنی زمین با شدت از آب سر برمی‌آورد و به اطراف توسعه می‌یابد که این کار همراه با شدت و هیمنه است. واژه «علی» در ادامه دعا نیز مؤید مطلب است؛ یعنی «ای که زمین را بر گستره آب وسعت بخشیدی». این توسعه‌دهی دو بعد دارد: یکی اینکه آب به سبب خشکی ناخواسته و بالاچار عقب نشینی می‌کند و مجتمع می‌شود و دریا را تشکیل می‌دهد و دیگر اینکه بخش‌هایی از زمین سطح آب را می‌پوشاند و آن را تحت فشار قرار می‌دهد. در نتیجه، به صورت آب‌های زیر زمینی در می‌آید و در قالب چشمه از جای جای زمین سر بر می‌آورد. این دو حالت نتیجه «کبس» است و هرنتیجه دیگری نیز به دلیل همین معنای ژرف می‌باشد از جمله گذاره‌های آتش فشانی، خروج بخارهای زمینی و زلزله‌ها؛ چرا که زمین به نحوی بر عوامل غیر زمینی تحمیل شده و در محاق خویش فرو برده است و در تحت خویش محبوس نموده است چنان که به فردی که تحت تأثیر عوامل روانی قرار می‌گیرد و در خواب در چنگال آن عوامل گرفتار شده و تقلا می‌کند، گفته می‌شود که کابوس دیده است. در این جا نیز تمامی نوسانات زیر زمینی به نحوی کابوس حاصل از کبس زمین بر دریا است. در نتیجه، این بخش از کلام از شگفتی‌های علمی است و اگر تداعی بیش از فهم مردم آن زمان کند، معجزه می‌باشد (ر.ک: واژه کبس در لغت نامه‌های: المنجد فی اللغة والاعلام، ۱۹۶۰: لسان العرب و فرهنگ ابجدی).

در ادامه فقره آمده است: «وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ» که چنین ترجمه شده «هوا را به آسمان بستن». واژه «سما» در لغت به چیزی اطلاق می‌شود که در موضع بالا باشد و پایین هر چیزی

را «ارض» گویند. بر اساس قرینه، واژه «سما» در این دعا لایه ازن یا مطلق جو می‌باشد و می‌توان گفت: دانش امروز این سد را لایه ازن می‌نامد که با به وجود آمدن آن زندگی بر روی زمین ممکن گردید. احتمالاً مراد از آسمان همین لایه باشد که هواپیمای جت معمولاً در آن محدوده پرواز می‌کنند. این لایه متراکم جوی تا سیزده کیلومتری بالای زمین امتداد دارد و محافظ زمین و حیات روی آن می‌باشد. ماورای آسمان فضای برون کره زمین است که بالون هوا شناسی و سفینه فضایی و ماهواره‌ها بدان قلمرو وارد می‌شوند و شهاب‌سنگ‌ها پشت همین لایه زمین گیر می‌شوند (سهرابی، کلید دانش، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۶۲ واژه «جَو»). اما هوا چیست؟ و مراد از هوا چه چیزی می‌باشد؟ در التحقیق آمده است: «هوی: أصل صحیح یدلّ علی خلوص و سقوط، أصله الهواء بین الأرض و السماء... أن الأصل الواحد فی المادّة: هو تمایل الی سفلی». در قاموس نیز آمده است: ﴿وَ الْعَجْمُ إِذَا هَوَى﴾ (نجم/ ۱۰): هوی را در آیه پایین آمدن گفته‌اند، ولی به احتمال قوی مراد از آن بالا رفتن است. در ادامه، مفهوم سقوط و پایین آمدن را برای هوا پذیرفته است. در لسان العرب نیز آمده است: الهواء، ممدود: الجَوُّ ما بین السماء و الأرض و جو را به هوا معنا کرده و هر دو مترادف گرفته است و آسمان اعم می‌باشد. با بررسی لغت‌نامه‌ها و متون علمی به این نتیجه می‌رسیم که اگر هوا و جو را به مفهوم اول و غالب یعنی موجود بگیریم. در این صورت، خبری غیبی از وجود لایه ازن می‌باشد که از خروج هوا از محدوده زمین جلوگیری می‌کند و ضامن بقای حیات بر کره خاک می‌گردد و اگر به مفهوم دوم بگیریم و بگوییم مراد سقوط و پایین آمدن می‌باشد یعنی آنچه به سوی زمین کشیده می‌شود و سقوط می‌کند به وسیله سما ممانعت می‌گردد، باز به نحوی به لایه ازن و هوای ماورای آن برمی‌گردد که برارزش این اخبار می‌افزاید. والله اعلم!

سه - علوم انسانی

علوم انسانی به علمی گفته می‌شود که محور بحث آنها «انسان و رفتارهای» اوست، مثل تربیت، اقتصاد، سیاست، مدیریت، روانشناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ که در احادیث عموماً به این علوم اشاره شده است.

در دعای عرفه، نکات دقیقی در زمینه‌های مختلف و ابعاد گوناگون وجود انسانی مطرح شده است، مهم‌ترین چیزی که در این میان باید برآن تأکید کرد، نیازمندی واقعی یک شهروند دینی است؛ یعنی حضرت پس از آنکه از خود شناسی به خدا شناسی پل می‌زند و نیازمندی به وحی را با یاد آوری مقام نبوت مطرح می‌کند، با زیباترین تعابیر ویژگی‌های یک انسان سالم را یاد آور می‌شود؛ به دیگر عبارت، نشانه‌های یک انسان کامل را چنین بر می‌شمارد و در واقع، تمامی

امکانات برای حصول موارد ذیل بایستی به کار گرفته شود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي...؛ خدایا قرار ده بی‌نیازی در نفس من و یقین در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده‌ام و بینایی در دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره‌مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان.

در علوم انسانی، تربیت افراد و فرایند آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واژه «تربیت» در لغت از ماده «ربو» و در اصل به معنای افزایش و نمو است. البته این احتمال نیز هست که از ماده «ربب» باشد. اما در اصطلاح تعاریف متعددی برای «تربیت» ارائه شده است که بهترین تعریف و جامع‌ترین آن چنین است: تربیت فرآیند کمک به فرد تربیت‌پذیر برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر برای دستیابی وی به کمال و شکوفا سازی استعدادها یا بازدارندگی و اصلاح صفات رفتارهای او صورت می‌گیرد (اعرافی، فقه تربیتی، ۱۳۸۸: ۱۹ / ۱ و ۲۸).

در دانش معاصر نقش والدین، دوستان، جامعه و عقاید فردی انسان در توضیح شخصیت انسان مورد توجه واقع شده است این نقش از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شخصیت انسان می‌باشد، اما در دعای عرفه به موضوع بسیار مهمی اشاره می‌شود: «كَلَّمْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ؛ و از آسیب اجنه و شیاطین محفوظم داشتی و از هرگونه زیاده و نقص مصونم فرمودی». این عبارت به خوبی نقش عوامل دیگری را ذکر می‌کند که می‌تواند بر انسان تأثیرگذار باشد. تربیت جسمی با نظر داشت سلامت روحی قبل از ورود به اجتماع، تذکر بزرگ این فقره می‌باشد؛ به دیگر عبارت، قلمرو تربیت گسترده‌تر از آن است که دانش امروز به آن پرداخته است. بر اساس این فراز، انسان نیازمند عاملی است که او را در زمان سکونت در عالم رحم حفظ کند و حتی قبل از آن، هنگام لقاح به عاملی نیاز دارد تا مانع وجود نقص جسمی و روحی او گردد و لازمه آن فراهم آوردن محیطی است که مانع به وجود آمدن چنین مخاطراتی می‌شود.

۸۱

امام علیه السلام در این فقرات به شیوایی تمام به این موضوع مهم تربیتی اشاره می‌کند و ما براساس دیگر روایات و بیانات دیگر معصومان علیهم السلام در می‌یابیم که پدید آمدن نسل نوین سالم مدیون رحم پاک و وجود پر آرامش مادر و مدیریت آگاهانه و مؤمنانه پدر است و ژن و نطفه‌ای سالم است که موازینی را در پدید آمدنش رعایت کرده باشند.

در دعای عرفه به نحوه آفرینش انسان و مراحل آن اشاره می‌شود و انسان به تفکر در آنهاد

دعوت می‌گردد. به نمودهای زیبای آفرینش الهی و زمینه‌های رشد علمی بشر که به ویژه در علوم تجربی فراهم شده و روابط گسترده انسان با خالقش به خوبی تبیین می‌گردد. این دعا در تعابیر متعددی به این موضوع می‌پردازد؛ از جمله می‌فرماید:

«أَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أُعْطِيتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي آيَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ... فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي... أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي ...»

در این دعا، امام (علیه السلام) ارتباط تربیتی انسان با خدا را از ابعاد مختلف مانند ارتباط عابد و معبود، ارتباط آمر و مأمور، رابطه سائل و مسئول؛ رابطه غنی و فقیر، رابطه عصیان و غفران؛ راضی و مرضی، شاکر و مشکور، و حامد و محمود بیان کرده‌اند (ر.ک: فاضلی، اسرار و معارف حج، بی‌تا: ۶).

ب) اعجاز‌های علمی

مقصود از اعجاز علمی این است که در دعا «رازگویی علمی»، «اخبار غیبی» و «تأثیر و نقش اعجاز‌گونه» وجود داشته باشد.

یک - راز گویی علمی

یعنی مطلبی علمی در روایت را که کسی قبل از صدور روایت از آن اطلاع نداشته باشد؛ به طوری که مطلب علمی مدت‌ها بعد از صدور روایت کشف شود و این مسئله علمی به گونه‌ای باشد که با وسایل عادی که بشر عصر صدور در اختیار داشته، قابل اکتساب نباشد.

عبارت «يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ» در دعای عرفه چاشنی اعجاز را با خود دارد که پیش از این تبیین گردید.

۸۲

دو - تأثیر و نقش اعجاز گونه

اعجاز تربیتی این دعا تا آنجاست که وقتی واقعه خونین کربلا حادث می‌شود، می‌بینیم تمامی یاران حضرت با تمام وجود به یاری حضرت می‌پردازند و تمامی اعضایی را که از آن در دعای عرفه یاد شده است، در محضر حضرت مخلصانه هدیه می‌آورند و در راه خدا خالصانه تقدیم می‌کنند.

یکی از دانشمندان حوزه دین در این زمینه می‌گوید: «دعای عرفه یکی از معجزات انسانیت است که انسان باید در صحرای عرفات بنشیند و مسائلی را از عالم آفرینش، بدن، نفس و از ساختمان انسان به عنوان شاهکار خدا بگوید. در صحرای عرفات، نه آزمایشگاه بوده، نه میکروسکوپ و تلسکوپ در کار بوده، بلکه مردی بوده که به عشق خدا روی خاک نشست و از کار و صنعت خدا تعریف کرده و اشک ریخته است» (انصاریان، متن سخنرانی اندیشه در اسلام، پایگاه اطلاع رسانی ایشان، ۱۳۶۴: جلسه ۸، ص ۱).

ج) نظریه علمی

برخی از احادیث علمی مطالبی را بیان می‌کند که علم هنوز به آنها دسترسی پیدا نکرده است. این موارد هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده، دلیلی نیز برای نفی آنها نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی‌های علمی احادیث (مثل نیروی جاذبه طبق حدیث امام رضا علیه السلام ذیل آیه دوم رعد و...) در آینده اثبات شود. این موارد را می‌توان به عنوان نظریه‌های علمی حدیثی مطرح نمود و همچون دیگر تئوری‌های علمی به دنبال شواهد تجربی آنها بود.

در دعای عرفه سه فراز وجود دارد که می‌تواند به عنوان نظریه مطرح شود:

۱. «أَسْكَنتَنِي الْأَصْلَابَ أَمِنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ».
۲. «لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي».
۳. «ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حَرِّ الثَّرَى».

یک - نظریه قدمت نطفه

خلقت انسان از خاک صورت می‌گیرد. سپس این خلقت در قالب نطفه نضج می‌گیرد و پس از سپری کردن چندین صلب پا به عرصه وجود می‌گذارد. در حالی که علم روز اشرافی به اصلاّب گذشته ندارد و فقط صحبت از ارث بری اخلاقی انسان تا چند پشت می‌داند.

دو - نظریه اصالت خلقت و عدم تکامل انواع

با استناد به عبارت «لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي» می‌توان این نظریه را مطرح کرد و قائل شد که این فراز اشعار به عدم خود تکمیلی دارد. تفسیر و تبیین دقیق واژه «امر» در این فراز می‌تواند استحکام‌دهنده این نظریه باشد.

سه - نقش خاک در پدیداری ژن برتر و نطفه مستعدتر

«ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حَرِّ الثَّرَى» شاید این موضوع با تبیین معارف مربوط به سرشت و فطرت بهتر تبیین گردد؛ چرا که در احادیث معصومان علیهم السلام به نقش خاک در تربیت توجه فراوانی شده است.

نتیجه

پیشوایان ما به یمن داشتن شخصیت ممتاز علمی و اخلاقی و ارتباط با خالق هستی، همواره در اوج هنرهای گفتاری، اجرایی و مدیریتی بوده اند. دعای عرفه یکی از شاهکارها در این خصوص است. امام حسین (علیه السلام) با انتخاب بی‌آلایش‌ترین مکان و مقدس‌ترین زمان، فطرت انسان‌های آن عصر و اعصار را با بلاغت و رسایی تمام به میزبانی متعالی‌ترین معارف فرا خواند. خالق این دعا با ترکیب فروع گوناگون مسائل و اشراف بر نیازهای روحی و مسئله توحید، آمیزه‌های از معارف حیات آفرین را مطرح ساخته و با تلنگرهای ظریف اذهان جست‌وجوگر را به زوایای نهان و آشکار اسرار خلقت واقف می‌گرداند.

رمز گشایی از سرشت و فطرت در تعبیر «اسکننتی» و کشیدن عنان اختیار از مخلوق در تکمیل انواع با بیان «لم تشهدنی و لم تجعل الی» و پرده برگیری از نقش خاک طیب در تربیت انسان با تعبیر «حرالثری» و تعبیر «کبس الارض و سد الهواء» اعجاز را بر می‌تاباند؛ چرا که هم رازگویی است و هم تأثیر و نقش اعجاز گونه دارد.

نظریه قدمت نطفه، عدم تکامل انواع و نقش خاک در استعداد بخشی ژن‌ها از موارد اعجاز علمی این دعا می‌باشد.

به هر حال، سراسر دعای عرفه اعجاب آفرین است، خاصه آنجا که مسائلی را از عالم آفرینش، بدن، نفس تشریح می‌نماید و ساختمان انسان را به عنوان شاهکار خدا و رابطه گسترده انسان با خالق تبیین می‌کند.

زیست‌شناسی، انسان‌شناسی، زمین‌شناسی، تربیت و علوم انسانی و امر سیاست‌مداری، گستره تأمل علمی در این دعا می‌باشد که نیازمند تدبیر و دقت افزون‌تری است.

در پایان به این نکته باید توجه نمود که هدف امام حسین (علیه السلام) در دعای شریف عرفه آن بوده که ما را از خود‌شناسی به خدا‌شناسی رهنمون شود و بیاموزاند که هر علمی اگر با دید عرفان و معرفت مطالعه شود، علمی الهی است.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] با الغای خصوصیت از انسان و همچنین توجه به این مطلب که وقتی انسان به عنوان اشرف مخلوقات نتواند اختیار و امکانی نداشته باشد به طریق اولی این امکان در سایر مخلوقات نخواهد بود، مگر این که شاهد و قرینه ای قطعی در کلام یا موجودات باشد.
- [۲] بعنوان مثال نرمه تیغه‌های بینی بنظر نمی‌رسد آنچنان اهمیتی داشته باشد که در اینجا به عنوان یکی از نعمت‌های قابل ذکر محسوب شود. در حالیکه همین اندام کوچک در چندین عمل حیاتی مثل بویایی، تعدیل دمای هوای تنفسی، ایمنی و تنظیم تن صدا نقش اساسی دارد.
- [۳] طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۹۹ / ۴. (کبس) فی الدعاء «یا من کبس الأرض علی الماء» آی أدخلها فیه، من قولهم کبس رأسه فی ثوبه: أخفاه و أدخله فیه أو جمعها فیه...

منابع

۱. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمدعلی، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، تحقیق: سید نقی موسوی، صمد سعیدی، و علی حسین پناه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۳. انصاریان، حسین، متن سخنرانی اندیشه در اسلام، پایگاه اطلاع رسانی استاد، تهران: حسینیه قمی‌ها - ۱۳۶۴ ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، جرعه‌ای از صهبای حج، تحقیق: حسن واعظی محمدی، پاییز ۱۳۸۸ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم - الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، اسرار و معارف حج، (وقوف در عرفات)، مقالات فارسی ۱۳۸۴ ش.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ حدیث و علوم جدید (منطق فهم احادیث علمی)؛ مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۲ ش.
۸. السباعی، احمد، تاریخ مکه (از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه - ۱۳۴۴ ق)؛ تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۵ ش.
۹. سهرابی، محمد رضا، کلید دانش، تهران: نشر طلایی - پیام عدالت، چاپ نهم، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. سیاح، احمد، فرهنگ دانشگاهی ۲، فارسی - عربی، تهران: انتشارات اسلام و فرهنگ - تهران، بی تا.
۱۱. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. عسکر، سید علی قاضی، حج در اندیشه اسلامی، تهران: نشر مشعر، چاپ نهم، ۱۳۸۴ ش.
۱۳. فاضلی، قادر، اسرار و معارف حج (رابطه انسان و خدا در دعای عرفه امام حسین و امام سجاد علیهما السلام)، فصلنامه «میقات حج»، ش ۴۲.

۱۴. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. لوئیس معلوف، المنجد فی اللغه والاعلام، بیروت: دارالمشرق، چاپ بیست و دوم، ۱۹۶۰ م.
۱۶. مرکز تحقیقات حج، ادعیه و آداب مکة مکرمه، تهران: نشر مشعر، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.